



پیشوای جود و سخاوت؛ نوشتاری از آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی

هدایت پرس - حضرت جواد الائمه علیهم‌السلام، در اخلاق کریمه و صفات پسندیده و علم و معرفت و دانش و زهد و تقوا، وارث اجداد بزرگوار، و در عظمت و جلالت، زبانزد خاص و عام بود، و شخصیت‌های بزرگ علمی و دینی در برابر او خاضع و فروتن بودند.

به گزارش [هدایت پرس](#)، نوشتاری با عنوان «[پیشوای جود و سخاوت](#)» از آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی به مناسبت میلاد امام جواد(ع) منتشر شد.

این نوشتار به شرح زیر است:

حضرت جوادالائمه علیهم‌السلام، در اخلاق کریمه و صفات پسندیده و علم و معرفت و دانش و زهد و تقوا، وارث اجداد بزرگوار، و در عظمت و جلالت، زبانزد خاص و عام بود، و شخصیت‌های بزرگ علمی و دینی در برابر او خاضع و فروتن بودند.

محدثان بزرگ و علمای عالیقدر، افتخار کسب علوم از آن حضرت را داشته و در دشوارترین مسایل علمی، او را حلال مشکلات می‌یافتند.

من بنده او هستم

«علی بن جعفر» - که از مشایخ و مؤلفان بزرگ و علمای بنی هاشم و علویین بود؛ از محضر پدرش حضرت صادق علیه‌السلام و برادرش موسی بن جعفر و برادرزاده‌اش حضرت رضا علیه‌السلام کسب علم کرده و به جلال و فقاہت و دانش شهرت داشت. وقتی که عمرش در حدود هشتاد سال بود و عمر شریف امام جواد علیه‌السلام از پانزده سال تجاوز نکرده بود، به امامت ایشان معترف بود؛ به حدی که دست آن حضرت را می‌بوسید و می‌فرمود: «أنا له عبد؛ من بنده او هستم.» (۱)

مناظره با دانشمندان و پیروزی علمی

با اینکه مدت زندگی امام جواد علیه‌السلام دیری نپایید؛ و عمر شریفش به بیست و شش سال نرسید، علوم بسیار از آن بزرگوار صادر شد و مجالس بحث و مناظراتی بین آن حضرت و علمای بزرگ آن زمان صورت می‌گرفت؛ مانند مناظره علمی و مباحثه‌ای که با «یحیی بن اکثم» قاضی القضاة، در حضور مأمون - خلیفه عباسی - و جمعی از بنی‌عبّاس و دیگران فرمود؛ و در پاسخ به مسأله او، شقوق آن را چنان بیان کرد که قاضی القضاة، حیران و خجل گشت، و حکم تمام آن شقوق را بیان فرموده؛ سپس از یحیی - طبق پیشنهاد مأمون - مسأله‌ای پرسید که از جواب آن عاجز گردید و حلّ آن مسأله را از شخص امام علیه‌السلام در خواست کرد و حضرت پاسخ فرمود و بر همه بنی‌عبّاس واضح شد که طبق گفته مأمون، آن حضرت با وجود کمی سن، افضل و اعلم از همه علما است؛ و خداوند متعال او را به این فضیلت و کمال مزین کرده است (۲) و از جمله مناظرات و مباحثات آن حضرت، مباحثه‌ای است که بر حسب روایت «ابن شهر آشوب» از کتاب «الجلاء والشفاء» در سنّ هشت سالگی با جمعی از دانشمندان فرمود و مسائل مشکل آنها را به طور علمی پاسخ داد.

امامت در کودکی

دستیافتن بر امامت، پیش از سنّ بلوغ، گر چه تا آن زمان به طور رسمی سابقه نداشت؛ و در بین امامان، هیچ یک در این سن بر مسند امامت ننشسته بود، ولی در بین سایر انبیا و پیامبران سابقه‌دار است؛ و حضرت عیسی و یحیی در کودکی به مقام نبوت رسیدند و قرآن درباره حضرت عیسی می‌فرماید: «إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابُ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا» (۳) و درباره حضرت یحیی می‌فرماید: «وَ آتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا» (۴) این مسأله که علوم و دانش‌های امامان و قوت فهم و کثرت معارف آنان به واسطه آموزش و گذشت زمان و رشد جسمانی نیست، همواره مقبول خواصّ و عوام بوده است و کتب تاریخی قطعی و معتبر آن را اثبات می‌کند.

از دوران کودکی هر یک از ایشان، حکایات و داستان‌های شگفت‌انگیز بسیاری که حاکی از نبوغ فوق‌العاده و فعلیت کمالات و فضایل آنهاست، نقل شده است؛ حتی معاویه و یزید و عبدالله بن عمر نیز از علم لدنی آنها سخن می‌گفتند؛ و مثل ابوحنیفه، وقتی حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در سن هفت سالگی بودند، از ایشان مسایل فقهی می‌پرسید و پاسخ می‌شنید.

هر کس در حالات آن بزرگواران مطالعه بنماید و علمی را که در دوران کودکی و بعد از بلوغ از آنها صادر شده را ملاحظه کند، می‌فهمد که این همه علم و معرفت از راه تحصیل فراهم نمی‌شود.

علوم بی‌پایان اهل بیت علیهم السلام

علوم بی‌پایان امیرالمؤمنین علیه السلام را در همه رشته‌های علوم اسلامی، و حقوق و معارف والهیات و ... چگونه می‌توان با تحصیل، به دست آورد و کدام مکتب و مدرسه غیر از مکتب خاص حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه وآله وسلم می‌توانست در آن زمان چنین فارغ‌التحصیل داشته باشد و کدام استاد می‌توانست این شاگرد بی‌نظیر را تربیت کند و غیر از علی علیه السلام چه کسی می‌توانست علوم نبوت را حمل کند و باب مدینه علوم نبوی شود؟

علوم تمام اصحاب و شاگردان مکتب پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در برابر علوم علی علیه السلام قطره‌ای در مقابل دریا بود.

این علوم از فضل خدا و میراث آنان از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم است و صدور این علوم اگر از خردسالان تعجب داشته باشد، از سالمندان نیز تعجب دارد. مگر سالمندان دیگر ظرفیت این همه علم را دارند؟ و مگر دانشمندان سالمند، این گونه بدون سابقه و بالبداهه به مسایل مردم پاسخ داده‌اند؟

در این باب فرقی بین کودک هفت ساله و پیرمرد هفتاد ساله نیست؛ هر دو باید استعداد خاص و صلاحیت تمام و کمال داشته باشند که بتوانند این علوم را اخذ کرده و محدث به آن شوند.

همان‌گونه که منصور، (خلیفه) در مورد امام جعفر صادق علیه السلام گواهی داد که آن حضرت، از کسانی بود که خدا در شأن آن می‌فرماید:

ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا... (۵)

هر یک از امامان نیز بنده برگزیده خدا بودند که خدا کتاب و علم کتاب را به ایشان عطا فرمود و هیچ گاه امت، از چنین شخصیتی از اهل بیت، محروم نخواهد شد.

احادیث «تَقْلِين»، «سَفِينَة»، «امان» و حدیث «فِي كُلِّ خَلْفٍ مِنْ أُمَّتِي» و روایات دیگر، همه مبین و مؤید این موضوع است.

مرور زمان نیز ثابت کرد، غیر از این ذوات مقدسه، فرد دیگری مصداق این احادیث نیست و ایشان هستند که علمشان از علم خدا و بصیرتشان، موهبت خاص خدا است. و مسلمانان به شوق بروند یا به غرب، علم صحیح را جز در نزد آنها نخواهد یافت.

حضرت زین العابدین علیه السلام بر حسب نقل «ابن حجر هیثمی شافعی» وقتی که آیه شریفه:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ (۶)

را تلاوت می‌فرمود، دعایی طولانی می‌خواند و می‌گفت: «ذَهَبَ آخِرُونَ إِلَى التَّقْصِيرِ فِي أَمْرِنَا وَ احْتَجُّوا بِمُتَشَابِهِ الْقُرْآنِ، وَتَأَوَّلُوا بِأَرَائِهِمْ» (۷) رأی خویش، تأویل نمودند.

تا اینکه فرمود: «فَالِي مَنْ يَفْزَعُ خَلْفُ هَذِهِ الْأُمَّةِ، وَ قَدْ دَرَسَتْ أَعْلَامُ الْمَلَّةِ، وَ دَانَتْ الْأُمَّةُ بِالْفُرْقَةِ وَ الإِخْتِلَافِ، يُكْفِرُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَاللَّهُ تَعَالَى يَقُولُ: (وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَ اِخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ

فَمَنْ الْمُؤْتَقُ بِهِ عَلَى إِبْلَاحِ الْحُجَّةِ، وَ تَأْوِيلِ الْحِكْمَةِ إِلَّا أَهْلَ (أَعْدَالَ خ ك) الْكِتَابِ وَ أِبْنَاءَ أُمَّةٍ الْهُدَى وَ مَصَابِيحِ الدُّجَى الَّذِينَ أَحْتَجَّ اللَّهُ بِهِمْ عَلَى عِبَادِهِ، وَ لَمْ يَدَعِ الْخَلْقَ سُدَى مِنْ غَيْرِ حُجَّةٍ هَلْ تَعْرِفُونَهُمْ أَوْ تَجِدُونَهُمْ إِلَّا مِنْ فُرُوعِ الشَّجَرَةِ الْمُبَارَكَةِ، وَ بَقَايَا الصَّفْوَةِ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً، وَ بَرَّاهُمْ مِنَ الْآفَاتِ، وَ افْتَرَضَ مَوَدَّتَهُمْ وَ افْتَرَضَ مَوَدَّتَهُمْ فِي الْكِتَابِ» (۹)

این بیانات بلیغ، در نهایت صراحت به این مطلب اشاره دارد که جز ائمه هدی و پیشوایان و شخصیت‌هایی که اعدال کتاب خدا هستند، هیچ کس و هیچ مقامی صلاحیت رهبری امت را ندارد و فقط آن بزرگواران محل اعتماد و وثوق و از خطا و اشتباه به دور می‌باشند، و خدا آنان را از هر رجس و آلیش پاک قرار داده و مودت آنها را بر همه واجب فرموده است.

پی‌نوشت‌ها:

1. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۲۲ - تنقیح المقال، ج ۲ ص ۲۷۲ و/ ۲۳۷

2. شرح این مجلس مناظره تاریخی و بی نظیر، در کتب معتبر اهل سنت مانند: صواعق، الاتحاف، نور الابصار، تذکرة الخواص و... نقل شده و در کتب شیعه نیز مانند: مناقب ابن شهر آشوب، ارشاد و اعلام الوری و کشف الغمه و بیش از صدها کتاب حدیث و تراجم و تاریخ آمده است.

3. سوره مریم، آیه ۳۰؛ به درستی که من بنده خدا هستم که خداوند به من کتاب عطا کرده و مرا پیامبر گردانیده است.

4. سوره مریم، آیه ۱۲؛ و فرمان (نبوت) را در حالی که کودکی بیش نبود، به او دادیم.

5. سوره فاطر، آیه ۳۲؛ پس کتاب را به بندگانی که آنها را برگزیدیم، به ارث دادیم.

6. سوره توبه، آیه ۱۱۹: این افراد با ایمان،

7. و دیگرانی نیز نسبت به شأن و مقام ما، راه تفریط را پیمودند و با استناد به متشابهات قرآن و تأویل آیات، مطابق رأی خویش، استدلال به عقیده‌ها نمودند.

8. سوره آل عمران، آیه ۱۰۵

9. «پس آیندگان این امت، به چه کسی پناه برند در حالی که بزرگان ملت از بین رفته‌اند و این امت، به پراکندگی و اختلاف مبتلا گشته است تا آنجا که گروهی از مردم، گروه دیگر را تکفیر می‌نماید و خداوند متعال می‌فرماید: و همچون کسانی نباشید که پراکنده شده به اختلاف با یکدیگر افتادند، در حالی که شواهد روشن ما به ایشان رسیده بود.

پس چه کسی در ابلاغ و اتمام حجت و بیان حکمت بر این امت پراکنده، مورد اعتماد است؟ آیا فرد دیگری جز دارندگان کتاب فرزندان ائمه هدی و چراغ‌های فروزان هدایت که خداوند، به وجود آنها بر بندگانش احتجاج نموده است، وجود دارد؟

آری خداوند، خلقش را باطل رها نکرده و آنها را بدون راهنما نگذاشته است. آیا تو آنها را می‌شناسی و آنها را جز از شاخه‌های درخت مبارکه امامت و باقیمانده‌های برگزیده‌ای که خداوند، ناپاکی را از آنها دور نموده و آنها را کاملاً پیراسته ساخته و آنها را از آفات و بدی‌ها به دور داشته و دوستی‌شان را در قرآن واجب ساخته است، می‌دانی؟» (الصواعق المحرقة، ص ۱۵۰؛ ینابیع المودة، ص ۲۷۳)

منبع: پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله العالی